

«زن و مطالعات خانواده»

سال نهم - شماره سی و پنجم - بهار 1396

ص ص: 78-65

تاریخ دریافت: 95/08/01

تاریخ پذیرش: 96/03/20

## رابطه باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل

دکتر حسین صاحب‌دل<sup>1\*</sup>  
علی رضا جمشیدی<sup>2</sup>  
زینب شکوری<sup>3</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل انجام شد. روش این پژوهش از نوع پیمایشی و جامعه آماری عبارت بود از کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی تهران، که از بین آنها 150 نفر (74 نفر مرد و 76 نفر زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI) و شاخص بی‌ثباتی ازدواج ادواردز و همکاران (1987) بود. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه، تحلیل شد. نتایج نشان داد بین باور به مخرب بودن مخالفت و باورهای ارتباطی کل، با بی‌ثباتی ازدواج، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون گام به گام مشخص کرد که باور به مخرب بودن مخالفت توانستند در دو گام حدود 0/070 درصد واریانس بی‌ثباتی ازدواج را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: باورهای ارتباطی، بی‌ثباتی ازدواج، مردان و زنان

1. استادیار گروه مشاوره واحد قاینات، دانشگاه آزاد اسلامی، قاینات، ایران (نویسنده مسؤول) [pcsahbedel1365@gmail.com](mailto:pcsahbedel1365@gmail.com)

2. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی

3. کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

ازدواج تقریباً در تمامی جوامع، رسمی مهم تلقی می‌شود ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت، صمیمیت<sup>1</sup> و لذت انسان است. از طرفی ازدواج سبب پیدایش همکاری، همدردی، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت پذیری نسبت به خانواده خواهد بود (بات<sup>2</sup>، 2005؛ مداتیل و بنشوف<sup>3</sup>، 2008). تغییرات تکنولوژی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در تغییر کارکرد اولیه ازدواج که شامل عشق، محبت و صمیمیت بین زن و شوهر است، نقش اساسی داشته است (برگرو هانا<sup>4</sup>، 1999).

بی‌ثباتی ازدواج<sup>5</sup> همراه مفاهیمی مانند ازهم پاشیدگی زناشویی<sup>6</sup>، قطع روابط زناشویی<sup>7</sup>، طلاق<sup>8</sup>، کیفیت زناشویی پایین<sup>9</sup> و ترک کردن<sup>10</sup>، استفاده شده است (براون و همکاران<sup>11</sup>، 2006). در تعریفی واضح‌تر از بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت که این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج اشاره دارد. بی‌ثباتی ازدواج در این تعریف در برگیرنده سه حالت است که عبارتند از: 1- یک وضعیت عاطفی (من چه احساسی درباره ازدواجم دارم)، 2- نگرانی‌های شناختی رابطه (من چه فکری درباره چگونگی نتیجه احساسم می‌کنم یا پشت احساس من چه فکری وجود دارد؟) و 3- اعمال معین (من واقعاً در نتیجه احساسم و افکار متعاقب آن دست به چه اعمالی می‌زنم؟) (وایت و لو و لوین<sup>12</sup>، 2009).

در تعریفی دیگر، مفهوم بی‌ثباتی ازدواج به عنوان گرایش زوج به طلاق اشاره دارد که این موضوع شامل دو حالت است: 1- حالتی شناختی (فکر کردن درباره این موضوع که آیا ازدواجمان در وضعیت دشواری قرار دارد یا فکر به وقوع پیوستن طلاق) و 2- حالت رفتاری (عملی که فرد در نتیجه احساسش و یا در گفتگو با همسرش درباره طلاق انجام می‌دهد). بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون فردی و بین فردی متعددی نشأت

1-intimacy

2-Batt

3-Madathil &amp; Benshoff

4- Berger&amp; Hannah

5- marital instability

6-Marital dissolution

7- Marital relationship disruption

8 -divorce

9- Low quality of marriage

10- desertion

11-Brown &amp; et al

12-Waite,Lou&amp;Lewin

می‌گیرد. در این میان، یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، باورهای ارتباطی<sup>1</sup> زوج‌ها است.

مطالعات دیدگاه شناختی و ارتباطی در مسائل زناشویی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن نشان داده‌اند که شناخت، تفکرات و باورها نقش زیادی در زندگی زناشویی و روابط زوج‌ها ایفا می‌کنند. رویکرد شناخت درمانی بک<sup>2</sup> بر مفروضه‌ها و باورهای موجود در طرح‌واره‌های شناختی زن و شوهر تأکید شده است. به نظر بک وقتی طرح‌واره‌های شناختی تحت تأثیر تحریفات شناختی قرار می‌گیرند، حکم باورهای غیر منطقی را پیدا می‌کنند و این باورهای افراطی و بسیار مطلق باعث می‌شوند نظام تفسیری زوج‌ها به صورت غیر منطقی و نادرست عمل کند (درایدن<sup>3</sup>، 2003).

اپستین و ایدلسون<sup>4</sup> (1981) در مطالعات خود نشان دادند که میزان باورهای غیر منطقی در بازه‌ی رابطه زناشویی پیش‌بینی‌کننده‌ی نیرومندی برای آشفته‌گی زندگی زناشویی است. این باورها عبارتند از: 1- توقع ذهن خوانی<sup>5</sup>: انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهار نظر کردن فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند. 2- کمال‌گرایی جنسی<sup>6</sup>: انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی در همه موقعیت‌ها بدون توجه به وضعیت او. 3- باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی<sup>7</sup>: نداشتن درک صحیح از تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد، به صورت انتظار یکسان داشتن، یا تفاوت‌های مادرزادی را علت اختلافات دانستن. 4- باور به تخریب‌کنندگی مخالف<sup>8</sup>: به معنای نپذیرفتن، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظرها. 5- باور به تغییر ناپذیری همسر<sup>9</sup>: اعتقاد به نداشتن توانایی همسر در تغییر رفتارها و تکرار شدن آنها در آینده (برنشتاین<sup>10</sup>، 1986).

1- communicational belief

2- Beck

3- Dryden

4- Epstein and Eidelson

5- mind reading is expected

6- sexual perfection

7- the sexes are different

8- disagreement is destructive

9- partner can not change

10- Bernstein

نقش باورهای ارتباطی در مسائل زناشویی در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال مولر و وانزیل<sup>1</sup> (1991) در پژوهشی بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی ارتباط معناداری را نشان دادند. هامامسی<sup>2</sup> (2005) در پژوهش خود با عنوان بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی و سازگاری و رضایت زناشویی، نشان داد که بین این دو متغیر ارتباط معناداری وجود دارد. هافرکامپ<sup>3</sup> (1994) در بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و رفتار متعارض دریافت که باورهای ارتباطی همبستگی بالایی با اختلاف زناشویی دارد.

پژوهش‌های (اماتو بووث<sup>4</sup>، 1995؛ گیلبرت<sup>5</sup> و همکاران، 2000) نیز رابطه بین باورهای نقش جنسیتی<sup>6</sup> و بی‌ثباتی ازدواج را مورد تأیید قرار داده اند. سیمون و مارکوزن (1999) در پژوهشی با عنوان انتقال های زناشویی، باورهای زناشویی و سلامت روان زوجین به بررسی این موضوع پرداختند که آیا باورهای افراد درباره عملکرد، مطلوبیت و اهمیت تعدیل کننده‌های ازدواج بر انتقال زناشویی اثر دارد. یافته های آنان حاکی از این بود که باورهای افراد به طور نظامندی بر زندگی زناشویی اثر گذار است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اپستاین، پرتزر و فلمینگ<sup>7</sup> (2006) در پژوهشی به نقش ارزیابی شناختی در گزارش خود از ارتباطات زناشویی پرداختند یافته های آنان نشان داد که شناخت نقش مهمی در پاسخ های زوجین به ارتباط با یکدیگر ایفا می کند و برداشت ها از ارتباط همسر چند بعدی هستند. نتایج پژوهش ویلوبای<sup>8</sup> (2014) با موضوع نقش باورهای زناشویی به عنوان یک مولفه عملکرد رابطه مثبت نشان داد که باورهای زناشویی به طور قابل توجهی با ادراکات افراد از رابطه سالم که در آن باورهای مثبت تر در مورد ازدواج به طور غیرمستقیم با ادراکات افراد از رضایت بیشتر و ثبات بیشتر در ارتباط بودند همراه بود.

در جمع‌بندی مبانی نظری و پژوهشی ذکر شده باید گفت، مسائلی مانند برداشت‌های منفی زوج‌ها، داشتن معیارهای انعطاف ناپذیر، تعصب های شخصی و سوء تفاهم یا درک

1-Moller & Vanzeyl p.d

2-Hamamci

3- Haferkamp

4-Amato & Booth

5-Guilbert

6-gender role beliefs

7-Epstein, Pretzer & Fleming

8.Willoughby

نکردن صحبت‌های یکدیگر آن‌طور که هست در اغلب ازدواج‌ها موجب نارضایتی زوجین شده و بر جنبه‌های مثبت ازدواج غلبه می‌یابد. از آنجا که امروزه بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق منجر شده و یا حداقل از ثبات و اطمینان مناسبی برخوردار نبوده و همچنین با در نظر گرفتن پیامدهای طلاق، شناسایی عوامل زیربنایی این مساله از طریق انجام پژوهش‌های متعدد و روی جمعیت‌های متنوع ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به تمهیدات یاد شده و ناکافی بودن پژوهش‌های انجام شده در این زمینه (مخصوصاً در فرهنگ ایرانی) هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج تعیین شد تا از این طریق گام موثری در جهت شناسایی پیش زمینه‌های فروپاشی و بی‌ثباتی زندگی زناشویی و کشف راه حل‌های موثر در این زمینه برداشته شود. بر این اساس، سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از: 1- رابطه هر یک از مولفه‌های باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج چگونه است؟ 2- هر یک از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی به چه میزان بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کنند؟

## روش

پژوهش حاضر در چهارچوب یک طرح غیرآزمایشی، از نوع پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه شهیدبهشتی تهران (بالغ بر 500 نفر) بود که از بین آنها 150 نفر (76 مرد و 74 زن)، به روش نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. در ضمن، همه آزمودنی‌ها در سنین 27 تا 38 سال قرار داشته، مدرک تحصیلی آنها لیسانس و فوق لیسانس بوده، و از نظر میزان درآمد و طبقه اجتماعی و فرهنگی تقریباً همگون بوده اند. ابزار پژوهش توسط پژوهشگران در محیط دانشگاه و خوابگاه به آزمودنی‌ها ارائه شد. لازم به ذکر است که پیش از تکمیل مقیاس‌های مورد نظر توسط آزمودنی‌ها، توضیحاتی در زمینه هدف پژوهش و شیوه تکمیل مقیاس‌های استفاده شده توسط پژوهشگران، برای آزمودنی‌ها ارائه گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل همبستگی پیرسون<sup>1</sup> و رگرسیون چندگانه<sup>2</sup> استفاده گردید.

1-Pearsonian correlation coefficient

2-stepwise regression

## ابزار پژوهش

1. پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI): این پرسشنامه به منظور اندازه گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی توسط ایدلسن و اپستین (1981) ساخته شده و توسط پورا اعتماد و مظاهری (1380) به فارسی ترجمه شد. این پرسشنامه دارای 40 سوال است که هر سوال در طیف لیکرت به صورت 6 گزینه‌ای از 0 (کاملاً غلط) تا 5 (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود و برای نمره گذاری همه نمره ها باهم جمع می‌شود و نمره بدست آمده نمره باورهای ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه دارای پنج خرده آزمون است که عبارتند از: باور به تخریب کنندگی مخالف (شامل تفسیر منفی از اختلاف نظرها)، باور به تغییر ناپذیری همسر، ذهن خوانی (انتظار اینکه بدون بیان و اظهار نظر کردن، فرد احساسات، افکار و نیازهای همسر را بفهمد)، کمال گرایی جنسی (انتظار از همسر در ایجاد رابطه کامل جنسی در هر شرایطی) و باور در مورد تفاوت های جنسی که شامل انتظار یکسان از زن و مرد بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی و تفاوت های مادر زادی آنها می‌شود. همسانی درونی آن در پژوهش های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است از جمله الیری (1987، به نقل از حیدری و همکاران، 1384) همسانی درونی آن را 72 تا 81 درصد گزارش کرده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه 0/76 به دست آمد.

2. شاخص بی‌ثباتی ازدواج<sup>1</sup>: شاخص بی‌ثباتی ازدواج، یک ابزار 14 سوالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج زناشویی توسط (ادواردز و همکاران<sup>2</sup>، 1987، به نقل از ثنایی، 1387) تدوین شده است. این آزمون برای اولین بار در سال 1980 در برای 2034 زن و مرد متأهل زیر 55 سال و همچنین برای زن و مرد متأهل 1578 در سال 1983 بکار گرفته شد. روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعددی مورد سنجش و تأیید قرار گرفته است و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی همبستگی مورد تأیید قرار گرفته است. ایایی این مقیاس با روش آلفای

1- Marital Instability Index(MII)

2- Edwards

کرونباخ 93% گزارش شده است (ثنايي، 1387). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه 0/51 به دست آمد.

### یافته ها

جدول شماره 1. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین نمرات باورهای ارتباطی و

#### بی ثباتی ازدواج

شاخص متغیر	میانگین	انحراف معیار	1	2	3	4	5	6	7
1. باور به مخرب بودن مخالفت	17/35	6/14	1						
2. توقع ذهن خوانی	21/10	4/76	0/194*	1					
3. باور به عدم تغییر پذیری همسر	19/24	5/03	0/336**	0/316**	1				
4. کمال گرایی جنسی	21/51	5/47	0/386**	0/316**	0/437**	1			
5. باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی	20/67	4/13	0/448**	0/074	0/304**	0/377**	1		
6. باور های کلی	99/89	17/36	0/733**	0/548**	0/702**	0/755**	0/624*	1	
7. بی ثباتی ازدواج	9/97	7/15	0/265**	0/033	0/051	0/089	0/079	0/164*	1

\*P<0/05 \*\*P<0/01

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول (1) نشان می‌دهد که بین باوربه مخرب بودن مخالفت از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی و باورهای ارتباطی کل، با بی‌ثباتی ازدواج، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد.

جدول شماره 2. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج

مدل	متغیر	شاخص	SS	DF	MS	F	P	R	R <sup>2</sup>	SE
1	باوربه مخرب بودن مخالفت	رگرسیون	536/47	1	536/47	11/20	0/001	0/265	0/070	6/91
		باقیمانده	7085/41	148	47/87					

جدول شماره 3. خلاصه مشخصه‌های آماری رگرسیون گام به گام باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج

متغیر	B	SE	$\beta$	t	P
باوربه مخرب بودن مخالفت	0/309	0/092	0/265	3/34	0/001

نتایج جداول (2) و (3) نشان می‌دهد که متغیر باوربه مخرب بودن مخالفت از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی، پیش بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج است. براساس این نتایج F مشاهده شده معنادار است ( $P < 0/05$ ) و  $0/070$  درصد واریانس مربوط به بی‌ثباتی ازدواج به وسیله باوربه مخرب بودن مخالفت تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین نشان می‌دهند که متغیر باوربه مخرب بودن مخالفت ( $t = 2/34, \beta = 0/265$ ) می‌تواند واریانس بی‌ثباتی ازدواج را به طور معنادار تبیین کند.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در دانشجویان متأهل انجام شد. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کلی باورهای ارتباطی و خرده مقیاس باور به تخریب کنندگی مخالف با بی‌ثباتی ازدواج همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. این نتایج به نوعی با نتایج حاصل از



مطالعات مولر و وانزلیل (1991)، هافرکامپ (1994)، سیمون و مارکوزن (1999)، هامامسی (2005)، اپستاین، پرتزر و فلمینگ (2006) و ویلوبای (2014) همخوانی دارد. در تبیین احتمالی این نتایج باید گفت ارتباط زناشویی و تعاملات زوج ها از عوامل متعددی تاثیر می پذیرد. در این میان یکی از عوامل مهم و موثر در نحوه تعامل زوج، نظام باورهای آنها می باشد. عقایدی که زوج ها دارند و نحوه نگرش آنها به پدیده های موجود در ارتباط می تواند ثبات و یا عدم ثبات را در رابطه تعیین نماید. یک معتقد است که مهم ترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی، سوء تفاهم و خطاهای شناختی و افکار اتوماتیک (خود به خودی) است. به اعتقاد او تفاوت در نحوه نگرش افراد باعث بروز اختلافات و پیامدهای ناشی از آن می شود. همچنین او معتقد است که یکی از مهم ترین علل اختلافات زناشویی، انتظارات متفاوت زن و شوهر از نقش یکدیگر در خانواده است. اغلب زوج ها درباره دخل و خرج خانواده، نگاه داری فرزندان، فعالیت های اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تقسیم کار در خانواده، باورهای متفاوت دارند (یک، 1988). زوج ها دارای باور تخریب کنندگی مخالف، قادر نیستند اختلافات پیش آمده را درک کنند و تفسیرهای نامناسب و تفرقه افکنی را در این موارد اظهار می دارند (اپستین و ایدلسون، 1981). از طرفی هرگاه همسران نتوانند در مورد اختلافات پیش آمده تصمیم درست را اتخاذ کنند، این اختلافات شدت یافته و در گستره زندگی آنان متجلی می شود. این باور که در مواقع وجود اختلاف یک نفر باید کنار بکشد و حتما در این میان حق با یک نفر است، می تواند بنیان اختلافات را تقویت نماید (هنری و میلر<sup>1</sup>، 2004). از شکایت های معمول زوج ها می توان منفی بودن تعاملات روزمره آن ها را نام برد. زوج ها آشفته، نسبت به زوج ها خوشبخت، بیش تر رفتار منفی همسرشان را مطرح می کنند. به هر حال زوج ها آشفته تمایل دارند که براساس «مقابله به مثل» به رفتارهای منفی همسرشان پاسخ دهند. به عبارت دیگر در یک رابطه آشفته اگر یک از زوج ها به طور منفی رفتار کند، دیگری نیز به طور منفی پاسخ خواهد داد. در مقابل، رفتارهای زوج ها دارای رضایت زناشویی، کم تر تحت تاثیر رفتارهای همسرشان است. زوج ها راضی نسبت به اعمال گذشته همسرشان واکنش خاصی نشان نمی دهند (فورمن<sup>2</sup>، 2002). با توجه به مطالبی که ذکر شد می توان گفت، ثبات و پایداری ازدواج تا حد زیادی به تفکرات و

1-Henry &amp; Miller

2-Forman

باورهای موجود در رابطه برمی گردد و تغییر در نظام باور زوج می تواند تغییر در تداوم ازدواج را در پی داشته باشد. بنابراین می توان گفت باورهای ارتباطی و در رأس آنها باور تخریب کنندگی مخالف، نقش مهمی در عدم ثبات و فروپاشی ازدواج ایفا می کند و وجود رابطه همبستگی بین این متغیرها منطقی به نظر می رسد.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که باور تخریب کنندگی مخالف 70% از واریانس بی ثباتی ازدواج را تبیین می کند. این نتایج نیز به نوعی با نتایج حاصل از مطالعات مولر و وانزیل (1991)، هامامکی (2005) و هافرکامپ (1994)، سیمون و مارکوزن (1999)، اپستاین، پرتزر و فلمینگ (2006) و ویلوبای<sup>1</sup> (2014) همخوانی دارد.

در تبیین احتمالی این نتایج همان طور که قبلا اشاره شد می توان گفت، زوج ها در هنگام بروز اختلاف به دو صورت می توانند عمل کنند 1. اختلاف را یک مشکل بیرونی تلقی کرده و هردو علیه آن با یکدیگر همکاری نمایند. 2. هریک به دنبال یافتن مقصر بوده و نقش خود را نادیده بگیرد (فورمن، 2002). زوج های که باور تخریب کنندگی مخالف در آنها مسلط است راه حل دوم را انتخاب کرده و این امر منجر به تداوم اختلاف و شدت گرفتن آن می شود. به طور کلی هرچه این باور در زوج ضعیف تر باشد آنها به احتمال بیشتری اختلافات را به نحو صحیح حل نموده و مانع از مداومت و مزمن شدن آن می شوند (اپستین و ایدلسون، 1981). هرگاه همسران به این باور برسند که اختلافات حل ناشدنی بوده و نتوانند وجود ناراحتی و کشمکش در روابط را به عنوان جزء لاینفک یک ارتباط دونفره بپذیرند، بدون شک دچار تردید شده و قادر به اتخاذ تصمیمات درست نخواهند بود (یک، 1988). در واقع باور به تخریب کنندگی مخالف که همان نپذیرفتن اختلافات و دنبال نمودن مقصر است، در بسیاری مواقع می تواند عامل اصلی طلاق باشد (اپستین و ایدلسون، 1981). با توجه به تمهیدات ارایه شده، منطقی است که وجود باور تخریب کنندگی مخالف نقش مهمی در پیش بینی ناپایداری و بی ثباتی ازدواج ایفا می نماید. و این متغیر می تواند پیش بینی کننده نیرومندی در جهت فروپاشی رابطه زناشویی باشد.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که بین باورهای ارتباطی و بی ثباتی ازدواج همبستگی معناداری وجود دارد. از طرفی نتایج نشان داد که از بین خرده مقیاس های باورهای ارتباطی، باور به تخریب کنندگی مخالف، همبستگی معناداری با

1. Willoughby

بی‌ثباتی ازدواج داشته و 0/07 از واریانس آن را تبیین می‌کند. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد، شناخت باورهای ارتباطی افراد و نحوه تداخل نگرش‌ها و نظام باور زوج در ارتباط دونفره می‌تواند نقش مهمی در شناسایی و پیشگیری از روند فروپاشی ازدواج ایفا نماید. این یافته، کاربردهای نظری و عملی را القاء می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر نقش تعیین‌کننده باورهای ارتباطی در ثبات و تداوم ازدواج دلالت دارد. همچنین در سطح نظری، هنوز مفهوم بی‌ثباتی ازدواج و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن، مورد توجه جدی پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است. لذا پژوهش حاضر می‌تواند نقش مهمی در جلب توجه پژوهشگران به این متغیرها ایفا نماید. در سطح عملی نیز با توجه به تأثیرگذاری باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج، توجه بیشتر به این سازه در زندگی زناشویی و همچنین تقویت باورهای مثبت در جهت تداوم بخشیدن به ازدواج زوج‌ها می‌تواند مثمر ثمر باشد. نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند برای مشاوران و متخصصان مسائل ازدواج و خانواده در جهت اتخاذ راهبردهای درمانی و حمایتی مفید و راهگشا باشد. پژوهش حاضر از محدودیت‌های نیز برخوردار است. با توجه به اینکه گروه نمونه را فقط دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی تشکیل می‌دهند و همچنین عدم امکان نمونه‌گیری تصادفی و انتخاب نمونه در دسترس، تعمیم نتایج به تمامی اقشار و گروه‌ها باید با احتیاط صورت بگیرد، لذا برای موضع‌گیری قاطع‌تر در بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج در جامعه ایرانی، انجام پژوهش‌های بیشتر در نمونه‌های متنوع‌تر، و در سایر فرهنگ‌ها، ضروری به نظر می‌رسد.

## References

- Batt, V. (2005), Perspective on Provision of counselling for woman in Ireland. 1-13.
- Beck, A.T. (1988), Love is never enough. New York: Harper & Row.
- Berger, R. & Hannah, M. (1999), Preventive Approaches in couples therapy. Philadelphia: Brunner/ Mazel.
- Bernstein, P., & Bernstein, M. (1986), marital therapy: A behavioral-communications approach. New York: Pergamon Press.
- Booth, A. & Edwards, J. (1985), Age at marriage and marital instability. Journal of Marriage and Family, 47, 465-496. National Council on Family Relations.
- Booth, A. & Johnson, D.R. & Booth, A. (1983), Measuring marital instability. Journal of Marriage and Family, 45, 349-387. National Council on Family Relations.
- Booth, A., Johnson, D., & Edwards, N. J. (1983), Measuring marital instability. Journal of Marriage and the Family, 45, 387-394.
- Brown, S.L., Sanchez, L.A., Nock, S.L. & Wright, J.D. (2006), Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability and divorce: a comparison of covenant versus standard marriage. Journal of social science research, 35, 457-470.
- Dryden, W. (2003), Handbook of individual therapy. London. LSSAG Publisher.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. B. (1982), Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 50(5), 715-720.
- Epstein, N., Pretzer, L.J. & Fleming, B. (2006), The role of cognitive appraisal in self-reports of marital communication. Behavior Therapy, Volume 18, Issue 1, Pages 51-69.

- Epstien , N & Eidelson, R.J. (1981), Unrealistic beliefs of clinical couples. Their relationship to expectations, goals and satisfaction. *The American journal of family therapy* . 4. 13-22.
- Forman,L.R.(2002), *Clinical Handbook Of Couple Therapy*.New York: Guilford.
- Guilbert, D.E. & Vacc, N.A. & Pasley, K.(2000), The relationship of gender beliefs, negativity, distancing, and marital instability. *Journal of the family*,8,124
- Haferkamp, C , J.(1994), Dysfunctional beliefs , self-monitoring and marital conflict . *Current psychology*, 13, 263-348.
- Hahlweg,K.,&Richter.D.(2010), Prevention of marital instability anddistress. Result of an 11-year longitudinal follow-up study.*Journal of Behavior Research Therapy*,48.377-383.
- Hamamci,Z.(2005),Dysfunctional relationship beliefs, inmarital satisfaction and adjustment. *Jornal psychology*, 47, 28-33.
- Henry,R.G. Miller,Rb.(2004),Marital Problems Occurring In Midlife : Implications For Couples Therapists. *The American Journal Of Family Therapy*,32,405-417
- Madathil.J.,& Benshoff, J. (2008), Importance of marital characteristics and marital satisfaction:A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. *The Family Journal*, 16(3), 222-230.
- Moller,A & Vanzeyl p.d.(1991), Relationship beliefs. Interpersonal perception & marital adjustment. *Jornal of clinical psychology*. Vol 47, issue 1. pp 6-28.
- Simon.R.W. & Marcussen.K. (1999), Marital Transitions, Marital Beliefs, and Mental Health. *Journal of Health and Social Behavior*, Vol. 40, No. 2. pp. 111-125.

Waite.L.J. Luo.Y., &Lewin .A.C (2009), Marital happiness and marital instability: consequences for psychology well-being. Journal of social science research.201-212.

Willoughby. B.J. (2014), The Role of Marital Beliefs as a Component of Positive Relationship Functioning. Journal of Adult Development.

Archive of SID